

بررسی نقش مدارس اسلامی در تقویت فرهنگ حجاب از منظر سرمایه اجتماعی

ابوالفضل شکوری^۱

جلیل دارا^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۶/۰۷

چکیده

آموزه «حجاب» در جامعه ایران به عنوان یک ضرورت اسلامی، هرچند در دوران پهلوی از نگاه حکومت به منزله یک مانع پیشرفت، محسوب می‌شد و سیاست حاکمان بر ترویج «فرهنگ برهنگی» استوار بود اما هرگز جامعه، حاضر به پذیرفتن آن نشد. از نگاه این تحقیق، مدارس اسلامی تأسیس شده در دوران پهلوی دوم به عنوان یکی از نهادهای تأثیرگذار و مهم از منظر سرمایه اجتماعی، در مقام شبکه‌هایی بودند که به دلیل حاکم بودن هنجارهای قوی همچون «حجاب» در آنها، از دو طریق موجب تقویت فرهنگ حجاب می‌شدند. نخست اینکه، رعایت حجاب در این مدارس به عنوان یک الزام برای دانش‌آموزان، موجب تقویت این هنجار در میان آنها و خانواده‌هایشان می‌گردید؛ دوم اینکه از آنجاکه چنین شبکه‌هایی از منظر سرمایه اجتماعی بستر مناسبی برای همکاری اعتمادآميز به شمار می‌آمدند در شبکه مدارس اسلامی نیز با وجود ساری بودن «هنجار حجاب» در آنها اقدامات جمعی کارآمدی مبتنی بر فضای همکاری، علیه سیاست برهنگی رژیم شکل می‌گرفت که به طور طبیعی موجب تقویت فرهنگ حجاب می‌شد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، مدارس اسلامی، حجاب، شبکه، هنجار.

مقدمه

مسئله «حجاب» یا به عبارت دقیق‌تر، پوشش، از جمله نمادها و ارزش‌های مهم فرهنگ اسلامی

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

۲. دکترای علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس



به شمار می‌رود و به عنوان یک ضرورت دینی، دلایل عقلی و نقلی متقنی بر رعایت آن وارد شده است. البته پدیده حجاب خاص دین اسلام و جامعه مسلمانان نیست. سایر ادیان الهی نیز حجاب را جزء آموزه‌های دینی خود آورده‌اند؛ هرچند امروزه به دلیل ورود انحرافات جدی به این ادیان، بسیاری از آموزه‌های آنها دچار تحول شده است.

امروزه در غالب جوامع اسلامی، «حجاب»، از مسائل مهم دینی و اجتماعی به شمار می‌رود. در جامعه ایران نیز به عنوان یک کشور اسلامی به‌ویژه از زمان ورود اسلام به این سرزمین، پدیده «حجاب» از جایگاه عمده‌ای برخوردار بوده و همواره تا به الان به عنوان یک «هنجار»، جزء فرهنگ اصیل مردم به شمار می‌رفته است.

با این وجود همواره نگاه حکومت‌ها به این امر دینی، در ادوار مختلف متفاوت بوده و برخی از حاکمان کشورهای اسلامی، آن را مانع پیشرفت تلقی کرده‌اند. به همین منظور اقدام به تضعیف و در مواردی از بین بردن آن کرده‌اند. در جامعه ایران نیز به طور مشخص در دوران زمامداری پهلوی رفتار ناشایستی با این امر مقدس شده؛ اما جامعه ایران هرگز روی خوشی نسبت به این رفتار نشان نداده است؛ لذا بررسی این مسئله که چگونه با وجود اقدامات جدی حکام پهلوی مبنی بر خدشه‌دار کردن این پدیده، مردم مسلمان حاضر به کنار گذاشتن آن نشده‌اند نیازمند ارائه پژوهش‌های مفصل است؛ به عبارت دیگر عوامل مختلفی را می‌توان در حفظ و بلکه تقویت این «هنجار»، مؤثر دانست. در این پژوهش طی مطالعه‌ای تاریخی، به تأثیر یکی از این عوامل مؤثر یعنی «مدارس اسلامی» در حفظ این هنجار در جامعه ایران پرداخته شود؛ آن هم با نگاه سرمایه اجتماعی که از جمله مباحث جدید در حوزه علوم اجتماعی به شمار می‌رود.

۱. تاریخچه حجاب در ایران

ردپای حجاب و پوشش در جامعه ایران به زمان‌های پیش از ورود اسلام به این سرزمین برمی‌گردد. هرچند اصطلاح «حجاب» به معنای پوشش اسلامی، در فرهنگ آن زمان مطرح نبود اما زنان ایرانی، حجاب و پوشش مخصوص زمان خود را داشتند. به طور مثال در عهد هخامنشیان هرچند چهره کامل زنان دیده می‌شد و پیراهنشان مانند پیراهن مردان پارسی بود، اما زنان آن عهد از پارچه شنل‌مانندی که حالت شبیه به چادر داشت استفاده می‌کردند (پارسا، ۱۳۷۲: ۶۵). در عصر ساسانیان نیز پوششی همچون چادر وجود داشت که از یک روسری بسیار بلند تشکیل می‌شد و سر را بدون پوشاندن صورت می‌پوشاند و بلندی آن، قسمتی از بالاتنه را فرا می‌گرفت (رحیم زاده صفوی، ۱۳۳۵: ۱۶۰).



با ورود اسلام به ایران و تأکید جدی منابع اسلامی به ویژه قرآن کریم^۱ بر حفظ حجاب، جایگاه این پدیده در میان زنان ایرانی به عنوان یک تکلیف اسلامی، مهم جلوه داده شد؛ به گونه‌ای که تا اواخر قرن سیزدهم شمسی همواره در دوره‌های مختلف غزنویان، سلجوقیان، مغول، صفویه، زندیه و قاجاریه، زنان ایرانی به اشکال مختلف دارای پوشش اسلامی بودند (پارسا، ۱۳۷۲: ۷۱ و ۷۲).

اما در اواخر سلطنت قاجار که همراه است با آغاز تماس ایران با غرب، به تدریج آموزه‌های مبتنی بر اندیشه‌های غربی وارد جامعه ایران شد و از آنجا که جدای از اشتیاق ایرانیان برای ارتباط با غرب، از طرفی تمایل جدی از سوی غرب برای نفوذ به جامعه ایران وجود داشت، تلاش قابل توجهی برای وابسته کردن این کشور در عرصه فرهنگ و سیاست صورت گرفت؛ لذا از جمله مشکلات فرهنگی‌ای که برای جامعه ایران به وجود آورد این بود که از جانب حکومت‌های غربی تلاش شد تا سایه مظاهر فرهنگ غرب به عنوان تنها راهکار ایجاد توسعه و پیشرفت، بر فرهنگ جامعه ایران افکنده شود. با همین هدف دستیابی به پیشرفت، حاکمان آن زمان اقدام جدی در جهت غربی‌سازی تمام حوزه‌ها به ویژه حوزه‌های فرهنگی صورت دادند. در دوران پهلوی، رضاخان که عملاً راه تقلید از غرب را برای رسیدن به توسعه‌یافتگی و پیشرفت ایران انتخاب کرده بود، نسبت به شبیه‌سازی مظاهر فرهنگی ایران با فرهنگ غرب اقدام کرد؛ از جمله اقدامات وی در حوزه فرهنگی، تلاش برای جایگزین کردن «فرهنگ برهنگی» به جای «فرهنگ پوشش» بود که به بهانه آزاد نمودن زنان از قید و بند صورت می‌گرفت.

به همین منظور، وی در سال ۱۳۰۹ شمسی ورود کلاه‌های زنانه را در ایران آزاد اعلام کرد و در سال ۱۳۱۱ سه تن از زنان برهنه عرب را به منظور اشاعه فرهنگ غرب از عراق به ایران آورد تا دومین کنگره زنان شرقی را در تهران افتتاح کند (شفیعی سروستانی، ۱۳۷۸: ۲۵۱). در فروردین ماه سال ۱۳۱۴ شمسی نیز در مجلس جشنی در شیراز که با حضور وزیر معارف برگزار شد دختران دانش‌آموز به دستور مقامات، مکلف شدند بدون پوشش معمول، دسته‌جمعی سرود بخوانند و سپس به ورزش ژیمناستیک بپردازند. سرانجام نیز به دستور او در دی ماه سال ۱۳۱۴ شمسی در جریان مدرنیزه کردن کشور، فرمان تاریخی «کشف حجاب» صادر شد و ترویج فرهنگ برهنگی به حد اعلی خود رسید. در زمان محمدرضا شاه نیز همین روند ادامه پیدا کرد؛ با این تفاوت که کشف حجاب در عصر رضا شاه با زور سرنیزه بود

۱. اشاره به آیه ۵۹ سوره احزاب که زنان را به کامل کردن پوشش‌شان توصیه کرده و از آنان می‌خواهد که اطراف روسری یا مقه‌شان را روی سینه خود افکنند تا گردن و سینه‌شان پوشیده باشد.



درحالی که محمدرضا با کمک تبلیغات بر انجام آن پای می‌فشرد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۱۶۳). اما با وجود ترویج فرهنگ برهنگی از سوی دولت، بررسی‌ها نشان می‌دهد نه تنها جامعه ایران در دوران پهلوی هرگز حاضر به پذیرش سیاست برهنگی نشد بلکه همواره اعمال این سیاست دولت را، در راستای از بین رفتن مشروعیت حکومت تلقی کرد؛ به گونه‌ای که مخالفت با کشف حجاب دولت، خود به عنوان یکی از تقاضاهای انقلابیون برای تحقق انقلاب اسلامی مطرح شد.

همان‌طور که همواره نهادهای مختلفی از جمله آموزش و پرورش برای ترویج سیاست برهنگی وارد فعالیت شدند و اقدامات گوناگونی در این زمینه به کار گرفته شد، در مقابل، اقدامات جدی نیز از سوی مخالفان صورت گرفت. ایراد سخنرانی‌های مختلف علیه برهنگی، تظاهرات نسبت به واقعه کشف حجاب، در خانه ماندن زنان برای مدت‌ها جهت حفظ حجاب و اقداماتی نظیر «تأسیس مدارس اسلامی دخترانه و پسرانه» که موضوع این پژوهش است، از جمله این تلاش‌ها بود.

پرسش، فرضیه و روش تحقیق

پرسشی که در اینجا مطرح است این است که مدارس اسلامی دوران پهلوی از نگاه سرمایه اجتماعی چه نقشی را در حفظ و تقویت فرهنگ حجاب ایفا نمودند؟ در این پژوهش به دنبال این هستیم تا از منظر سرمایه اجتماعی که امروزه عامل تأثیرگذاری بر حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک جامعه محسوب می‌شود، نشان دهیم مدارس اسلامی چه اقدام مهمی در حفظ و زنده نگه داشتن «فرهنگ حجاب» صورت دادند؛ به گونه‌ای که انقلابیونی که اسلام را اساس مبارزه با رژیم پهلوی برگزیده بودند مسئله برپایی «حجاب» را یکی از خواست‌های مهم انقلابی خویش قرار دادند. فرضیه ما این است که وجود مدارس اسلامی در دوران پهلوی، از نگاه سرمایه اجتماعی، به منزله شبکه‌هایی بودند که به دلیل حاکم بودن «هنجار حجاب» در این مدارس، ضمن اینکه به دلیل مکلف کردن دانش‌آموزان به رعایت این هنجار در مدرسه و از طرفی ترویج آن در جامعه به‌ویژه در خانواده، موجب تقویت آن می‌شدند، زمینه همکاری برای صورت دادن «اقدامی جمعی» همچون مقابله با سیاست برهنگی دولت را فراهم می‌کرد و از این طریق موجب تقویت هنجار حجاب می‌شد.

روش این پژوهش که مبتنی بر یک مطالعه موردی (دو مدرسه جامعه تعلیمات اسلامی و

دخترانه رفاه) است، توصیفی - تحلیلی است؛ لذا در اینجا از روش مطالعه کیفی استفاده شده که ابزار آن، اسناد و مصاحبه بوده و از طریق بررسی آنها، برای تحلیل وقایع تاریخی مربوط به نقش مدارس اسلامی در تقویت فرهنگ حجاب استفاده شده است.

۲. چهارچوب تئوریک تحقیق

ابتدا ضروری است سه مفهوم «حجاب»، «مدارس اسلامی» و «سرمایه اجتماعی» تعریف نماییم.

۲-۱. حجاب

در لغت‌نامه دهخدا کلمه حجاب، هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب. کاربردش بیشتر به معنی پرده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۷۶۴۰). در فرهنگ معین نیز واژه «حجاب» هم به معنای پوشیدن و هم به معنای جامه، لباس، ستر، ساتر و حجاب، به کار رفته است (عمید، ۱۳۷۳: ۷۷۹).

از نگاه آیت‌الله مطهری: «به‌کارگیری این کلمه در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدیدی است ولی در اصطلاح فقها در ابواب مختلف فقه از کلمه «ستر» استفاده شده و بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد چه اینکه مفهوم خاص حجاب باعث شده که عده زیادی گمان کنند اسلام خواسته است زن، همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد درحالی‌که وظیفه پوشش که اسلام برای زن مقرر کرده بدین معنا نیست بلکه به معنای پوشاندن بدن در معاشرت با مردان و خودداری از جلوه‌گری و خودنمایی است» (مطهری، ۱۳۷۹: ۴۲۹ و ۴۳۰). با عنایت به توضیحات فوق، در این پژوهش، حجاب، به معنای پوششی است برای زنان تا در برابر دیدگان نامحرم، آن‌گونه که حدود اسلام تعیین نموده ظاهر شوند. منظور ما از تقویت فرهنگ حجاب در جامعه نیز، زنده نگه داشتن این آموزه به عنوان شعائر اسلامی در جامعه آن دوران است که از طریق پایبندی مردم به این هنجار و مخالفت آنها با سیاست برهنگی حکومت حاصل شد.

۲-۲. مدارس اسلامی

به‌طورکلی مدرسه به مفهوم امروزی، یعنی جایگاهی برخوردار از ویژگی‌های فکری همراه با اهداف و روش‌ها و برنامه‌های مخصوص به خود که به وسیله آنها شناخته شده و در همین مسیر، پیش رفته و در خدمت آموزش دانشگاهی نقش بارزی داشته باشد (غنیمه، ۱۳۷۲: ۱۰۶). پس از ورود اسلام به ایران به دلیل نیازمندی به آموزش‌های دینی نظیر آموزش قرآن و اصول دین





که با استقبال وسیعی از سوی مردم روبه‌رو شد مراکزی با اولویت هدف تدریس علوم اسلامی ایجاد شدند. البته در ابتدا، مساجد وظیفه تعلیم و تربیت اسلامی را به عهده داشتند (صدیق، ۱۳۴۹: ۳۸۱)، اما بعدها در کنار مساجد، مکتب‌خانه‌ها نیز پا به عرصه گذاشتند. این مکتب‌خانه‌ها که اغلب فاقد مدرسان واجد شرایط و امکانات مورد نیاز تدریس بودند با روش‌های آموزش یکسان و تحت نظارت دولت فعالیت نمی‌کردند و بیشتر به آموزش احکام دینی، خواندن قرآن و صرف و نحو عربی و ادبیات قدیم می‌پرداختند (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۶۸).

بعدها مکان‌هایی با عنوان مدارس اسلامی و با هدف تعلیم معارف اسلامی و دینی ایجاد شدند که مواد درسی آن بیشتر دینی و اسلامی بود؛ به عبارت دیگر، مدارس اسلامی پدیده‌ای نوظهور بود که مبتنی بر نیازهای فرهنگی جامعه ایران در این کشور تأسیس شد تا دانش‌آموزان ضمن آموختن علوم غیردینی و تخصصی، به آموزش مسائل دینی همچون احکام، اخلاق و قرآن نیز بپردازند.

در این پژوهش منظور از مدارس اسلامی دو مدرسه «جامعه تعلیمات اسلامی» و «دخترانه رفاه» است که در دوران پهلوی دوم تأسیس شدند.

۲-۳. سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیمی است که تعاریف گوناگونی برای آن ارائه شده است. لذا به منظور تبیین فضای مفهومی این اصطلاح، از واژگان و تعابیر مختلفی چون انرژی اجتماعی^۱، روحیه محلی^۲، پیوستگی‌های اجتماعی^۳، زندگی محلی^۴ و چسب اجتماعی^۵ استفاده شده است. برخی از صاحب‌نظران، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از روابط، تعاملات و شبکه‌های اجتماعی تعریف می‌کنند که در میان افراد و گروه‌های اجتماعی وجود داشته و موجب گرمی روابط اجتماعی و تسهیل‌کننده کنش اجتماعی می‌شود (غفاری، ۱۳۸۴: ۱۸). در نگاه بانک جهانی، سرمایه اجتماعی به نهادها، روابط اجتماعی و هنجارهایی اشاره دارد که کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی یک جامعه را شکل می‌دهند. لذا سرمایه اجتماعی صرفاً شامل مجموعه‌ای از نهادهای یک جامعه نمی‌شود بلکه همچون «چسبی» است که این نهادها را به یکدیگر پیوند می‌دهد (بانک جهانی، ۱۹۹۸: ۵). فوکویاما^۶ سرمایه اجتماعی را مجموعه معینی از هنجارها یا

1. Social Energy
2. Community Spirit
3. Social Bonds
4. Community Life
5. Social Clue
6. Fukuyama

ارزش‌های غیررسمی می‌داند که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان آنها مجاز است، در آن سهم هستند (فوکویاما، ۱۹۹۷: ۲).

اما پاتنام^۱ به عنوان یکی دیگر از کسانی که سرمایه اجتماعی را تعریف کرده معتقد است «تمام ویژگی‌های اجتماعی نهادها و سازمان‌ها از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی سرمایه اجتماعی نامیده می‌شوند» (پاتنام، ۱۹۹۳: ۱۶۷) که البته در این پژوهش نیز تعریف به کار برده شده از سرمایه اجتماعی همان تعریف و مفهوم پاتنام از سرمایه اجتماعی است. البته مصادیق سرمایه اجتماعی در این پژوهش متفاوت است؛ لذا منظور از سرمایه اجتماعی در این پژوهش وجود شبکه‌های مدارس اسلامی «جامعه تعلیمات» و «دخترانه رفاه» و نیز هنجارهای همیاری (نظیر هنجار حجاب) حاکم بر این شبکه‌هاست که زمینه‌ساز همکاری برای صورت دادن یک اقدام جمعی می‌شوند.

۳. تطبیق تئوری پژوهش بر تئوری پاتنام

هرچند صاحب‌نظران مختلفی چون کلمن^۲، بوردیو^۳ و فوکویاما در حوزه سرمایه اجتماعی کار جدی صورت داده‌اند اما مفهوم سرمایه اجتماعی با کاربرد رایج پاتنام برجسته شد. فعالیت گروهی، عضویت در انجمن‌ها و اجتماعی شدن، قلب مفهوم بیان شده توسط پاتنام را تشکیل می‌دهند. مطالعات اخیر حتی در بعضی موارد کاملاً روی انجمن‌های داوطلبانه مورد نظر پاتنام متمرکز شده‌اند. پاتنام اظهار می‌دارد افراد در سازمان‌های داوطلبانه گرد هم می‌آیند تا در آنجا از طریق تعاملات مکرر یاد بگیرند که به یکدیگر اعتماد کنند. این عمل به نوبه خود ایجاد هنجارهای اجتماعی و اعتماد را پایه‌گذاری می‌کند. به نوعی پاتنام اظهار می‌دارد سرمایه اجتماعی عملکرد سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و فیزیکی را افزایش می‌دهد. به عقیده وی سرمایه اجتماعی «کالای عمومی» است؛ بدین معنی که دارایی شخصی کسانی که از آن بهره می‌گیرند به حساب نمی‌آیند (پاتنام، ۲۰۰۴: ۶۳-۵۰).

پاتنام معتقد است چنانچه جامعه‌ای دارای شبکه‌های اجتماعی متعددی باشد و از طرفی هنجارهایی با عنوان «هنجارهای همیاری» در این شبکه‌ها وجود داشته باشد می‌توان این توقع را داشت که اعضای این شبکه‌ها با توجه به پایبندی به هنجارها و اعتمادی که به یکدیگر

1. Putnam
2. Coleman
3. Bourdieu



پیدا می‌کنند در برابر یک کنش بیرونی در قالب فضای همکاری، واکنش جمعی صورت دهند، زیرا با وجود این هنجارها که به منزله قوانین و الزامات عضویت در شبکه هستند، اعضا متعهد می‌شوند نسبت به یکدیگر تعهد عمل متقابل داشته باشند. البته وی معتقد است رابطه بین هنجارهای همیاری و شبکه‌ها دوسویه است یعنی هم شبکه‌ها موجب تقویت هنجارها می‌شوند و هم هنجارها بر استحکام شبکه‌ها افزوده و موجب برقراری پیوندهای قوی می‌شوند؛ به عبارت دیگر اعضای شبکه می‌توانند در عین حال که خود از طریق پایبندی به هنجارهای شبکه، عضویت خود را محکم کنند، عاملی برای ترویج و تقویت آن هنجارها در جامعه و احیانا شبکه‌های دیگر نیز باشند.

در این پژوهش، شبکه‌های اجتماعی ما همان مدارس اسلامی هستند که گروه‌های مذهبی و اسلام‌گرا با هدف حفظ برخی هنجارها نظیر هنجار حجاب ایجاد کردند. در این مدارس، به دلیل ساری و جاری بودن هنجارهای همیاری قوی نظیر هنجار حجاب، ضمن اینکه دانش‌آموزان به گونه‌ای الزام‌آور متعهد به حفظ حجاب می‌شدند، بستر خوبی نیز فراهم شده بود تا بتوان در یک فضای همکاری اقدام جمعی مؤثری نسبت به سیاست برهنگی رژیم صورت داد؛ لذا به اعتقاد ما وجود شبکه مدارس اسلامی کمک خوبی بود به حفظ هنجار حجاب؛ آن هم درست در زمانی که سیاست دولت‌های آن زمان بر ترویج فرهنگ برهنگی بنا شده بود و در مدارس دولتی به طور علنی اجبار در برهنگی وجود داشت. این مدارس شبکه‌هایی بودند که از طرفی دانش‌آموزان آن به دلیل عضو بودن در شبکه‌های دیگری نظیر خانواده، تأثیر بسزایی در ترویج این هنجار یعنی حجاب داشتند؛ و از سوی دیگر، در مقابل آن مدارس دولتی با ویژگی‌های ذکر شده قرار می‌گرفتند.

۴. نقش مدارس اسلامی به عنوان سرمایه اجتماعی در تقویت فرهنگ حجاب

همان‌گونه که در تئوری بحث آمد برای اینکه نشان دهیم مدارس اسلامی به عنوان سرمایه اجتماعی در اختیار مذهبی‌ها نقش مؤثری در تقویت هنجار حجاب داشتند، باید دو مطلب را به تأیید برسانیم. یکی اینکه مدارس اسلامی همان کارکرد شبکه‌های اجتماعی پاتنام را داشتند. دوم اینکه شبکه مدارس اسلامی همان کارویژه تقویت هنجار در نظریه پاتنام را دارند.

۴-۱. مدارس اسلامی به عنوان شبکه‌های روابط

پیش از پرداختن به مدارس اسلامی به عنوان شبکه‌های روابط اجتماعی ضروری است مختصری در مورد تاریخچه و روند فعالیت آنها صحبت کنیم.





پیشینه برپایی مدارس اسلامی به اواخر قرن سوم هجری باز می‌گردد، یعنی زمانی که شخصی به نام ناصر کبیر، مدرسه‌ای اسلامی در آمل تأسیس کرد (صدیق، ۱۳۴۹: ۳۸۶)؛ به‌طور کلی هدف و انگیزه ایجاد این مدرسه و دیگر مدارس اسلامی، از همان ابتدا متأثر از ضرورت‌های اجتماعی و سیاسی دوران‌های مختلف بوده و در هر مرحله تاریخی، از انگیزه‌ها و سیاست‌های بنیان خود متأثر بوده‌اند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴: ۷).

اگرچه در اثر هجوم مغول‌ها به سرزمین‌های ایران، بسیاری از اماکن فرهنگی از جمله مدارس، مکاتب و مساجد از بین رفت و بسیاری از شخصیت‌های فرهنگی به‌ویژه معلمان و مدرسان کشته شدند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴: ۷۵) اما مقارن با شکل‌گیری سلسله صفویه و با توجه به اهمیت و احترامی که سلاطین وقت این خاندان به‌ویژه نسبت به مذهب شیعه قائل بودند این بار برخلاف سابق، شاهد گسترش مدارس و مکتب‌خانه‌هایی شیعی هستیم؛ به گونه‌ای که مدارس سایر مذاهب رو به تعطیلی نهادند. پس از صفویه تنها در اواخر دوران زمامداری کریم‌خان زند و شروع پادشاهی فتحعلی شاه قاجار شاهد توجه دوباره به بحث مدارس هستیم. در زمانی که روابط قاجاریان با اروپا رو به فزونی گذاشت ایرانیان به منظور دستیابی به پیشرفت‌هایی که نصیب اروپا شده بود و برای دست یافتن به توان رویارویی و مقابله با این کشورها به‌ویژه در عرصه‌های نظامی، در جهت کسب علوم جدید گام برداشتند و این، ممکن نبود مگر اینکه مدارس جدیدی در ایران تأسیس شود تا نظام آموزش را متحول کند. در همین راستا بود که پس از اعزام عده‌ای از دانشجویان برای تحصیل به ممالک غربی، مدارس جدید در ایران به سبک غرب ایجاد شد و دارالفنون نخستین مدرسه جدیدی بود که بدین منظور تأسیس شد که در آن، علوم طبیعی، طب و جراحی، مهندسی، علوم نظامی، داروسازی و غیره تدریس می‌شد و آموزش زبان‌های خارجی نیز مورد توجه قرار گرفت (روشنی، ۱۳۵۴: ۱۸۸).

از آن به بعد مدارس جدید با سرعت بیشتری گسترش یافته و البته این گسترش، در خصوص مدارس پسرانه بیشتر صدق می‌کرد. لذا تا پایان سلطنت مظفرالدین شاه در تهران سه مدرسه دولتی، پنج مدرسه امریکایی و فرانسوی و چهار مدرسه ملی وجود داشت و تا شروع نهضت مشروطه تعلیم و تربیت دختران منحصر به مدارس خارجی بود (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: ۱۵-۱۲).

هرچند طی این دوران شاهد ایجاد و گسترش مدارس جدید هستیم اما در همین دوران، در مقابل چنین حرکتی، مذهبی‌ها اقدام به ایجاد مراکزی کردند که بعدها تأسیس مدارس اسلامی را در دستور کار خود قرار دادند. انجمن معارف که هفت نفر عضو آن بودند از جمله این مراکز



بود که اعضای آن با کمک‌های غیردولتی، هفت مدرسه در تهران تأسیس کردند که در آن علاوه بر علوم جدید، علوم دینی نیز مورد توجه خاص قرار می‌گرفت (نفیسی، ۱۳۴۵: ۱۴۵-۱۳۹). برنامه درسی این مدارس شامل فارسی، اصول دین، تعلیمات دینی، اخلاق، شریعت، مقدمات عربی، تاریخ، هندسه، حساب و دیگر علوم جدید بود (رینگر، ۱۳۸۱: ۱۸۴). از آن زمان به بعد بود که دغدغه‌داران علوم اسلامی تلاش کردند با ایجاد مدرسی که اهتمام به تدریس علوم دینی داشته باشد علوم اسلامی را از حالت تحت تأثیر قرار گرفتن نسبت به علوم جدید درآورند.

۴-۲. بسترهای شکل‌گیری مدارس اسلامی در دوران پهلوی

هرچند در اواخر دوران قاجار با وجود تأسیس مدارس جدید الگوگرفته از غرب به نوعی تدریس علوم دینی و اسلامی تحت تأثیر قرار گرفت ولی همواره تدریس شرعیات و مباحث دینی جزء سیاست‌های این مدارس بوده است. طی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۴ شمسی به دلیل گرایش شخص رضا شاه به پیشرفت از نوع غربی، مناسبات دینی و اسلامی نیز تحت تأثیر مباحث توسعه قرار گرفت و نخستین گام، اصلاح نظام آموزش و پرورش بود. در واقع رضا شاه که در عمل سکولاریسم را راه نجات ایران از وضعیت عقب‌افتادگی می‌دانست، این سیاست را در عرصه آموزش و پرورش نیز دخالت داد؛ در این راستا، مشارکت علما و روحانیون در امر آموزش ملغی شد و مدارس غیردینی و حتی ضد مذهبی که نه تنها ظواهر مذهبی را رعایت نکرده بلکه به آن اهانت نیز می‌کردند (تکمیل همایون، ۱۳۷۷: ۳۵۲)، برخلاف روند سابق گسترش یافت.

نتیجه این‌گونه اقدامات، بی‌اطلاعی محصلان از مبانی دینی بود که بر این اساس، مذهبی‌ها با پرهیز از رویارویی مستقیم تصمیم گرفتند از طریق ترویج اصول مذهبی در مدارس مذهبی به مقابله با رضاخان بپردازند. تأسیس و نوسازی مدارس مذهبی حوزه علمیه قم توسط آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی در همین راستا بود (الگار، ۱۳۷۱: ۲۸۶)؛ از طرفی در کنار مدارس حوزه علمیه به تأسیس مدارس اسلامی با محوریت تدریس تعالیم دینی پرداختند. مدارس چون «جامعه تعلیمات اسلامی»، دبیرستان پسرانه «کمال»، مدرسه دخترانه «رفاه» و دبیرستان پسرانه دین «و دانش» در زمره این مدارس بودند.

۴-۳. مدارس اسلامی جامعه تعلیمات و رفاه به عنوان شبکه روابط

پیش از این گفته شد که شبکه‌های روابط از پایه‌ای‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی محسوب

می‌شوند که موجب تقویت هنجارهای همیاری شده و از طرفی با وجود این شبکه‌ها و هنجارهای همیاری، پدیده اعتماد و در نهایت همکاری برای صورت دادن یک اقدام جمعی شکل می‌گیرد.

مطابق تئوری پژوهش، از جمله شبکه‌های قوی روابط مربوط به دوران پهلوی که در اختیار گروه‌های مذهبی و اسلام‌گرا بود شبکه‌های مدارس اسلامی بود که بستری برای تقویت هنجارهایی نظیر حجاب به شمار می‌آمد. در اینجا برای نمونه به شبکه مدارس اسلامی «جامعه تعلیمات» و «دخترانه رفاه» اشاره می‌کنیم؛ البته از آنجاکه مطابق تقسیم‌بندی‌های گفته‌شده، شبکه‌ها را به رسمی و غیررسمی تقسیم کرده‌اند، شبکه مدارس اسلامی را در زمره شبکه‌های رسمی قرار می‌دهیم. در شبکه‌های رسمی، عضویت اعضا به صورت رسمی و مشخص است. به طور مثال عضویت در احزاب یا انجمن‌های رسمی همچون باشگاه‌ها به معنای مشارکت فعال در یک شبکه اجتماعی رسمی است، اما در شبکه‌های غیررسمی عضویت اعضا در گروه، تشکّل یا انجمن به صورت غیررسمی است، مثل عضویت در انجمن‌ها یا هیئت‌های مذهبی یا حضور مداوم در مراسم‌های مذهبی یا خیریه. (Fuche & Claus: ۲۰۰۲: ۱۹۸-۱۹۳). دو نمونه از شاخص‌ترین شبکه‌های دوران پهلوی که عضویت در آنها جنبه غیررسمی داشت شبکه‌های روابط غیررسمی مساجد و هیئت‌های مذهبی بودند که البته همچون شبکه‌های رسمی، همان کارکرد شبکه‌های روابط موجود در نظریه پاتنام را دارند؛ اما یکی از شاخص‌ترین شبکه‌های روابط اجتماعی در دوران پهلوی که جنبه رسمی داشت شبکه مدارس اسلامی بود. این مدارس که در سرتاسر ایران با نام‌های مختلف وجود داشت بستری برای تقویت هنجارها، ایجاد انگیزه‌های مشترک و همبستگی گروهی به شمار می‌آمدند. این شبکه‌ها بخش عمده‌ای از اهداف اسلام‌گراها در خصوص تقویت هنجارهای لازم برای همبستگی میان مردم و رهبران (نظیر هنجار حجاب) را برآورده می‌ساختند و حتی می‌توان گفت نقش شبکه پیونددهنده مخالفان مذهبی را ایفا می‌کردند؛ اگرچه مخاطبان مستقیم و اصلی این مدارس دانش‌آموزان مقاطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان بودند اما در عمل، خانواده‌های آنها نیز در ارتباط دائمی با فرزندان خویش نیز تحت تأثیر اندیشه‌های آموخته‌شده دانش‌آموزانشان قرار می‌گرفتند.

مدارس اسلامی جامعه تعلیمات و دخترانه رفاه با عنوان دو نمونه از این مدارس دینی شهرت یافته بودند که در دهه ۱۳۲۰ در واکنش به تأسیس مدارس جدید شکل گرفتند. استدلال مؤسسان این مدارس این بود که نظام جدید آموزشی که در واقع از الگوی غربی بهره گرفته، در



مسیری قرار دارد که در عمل دانش آموز با ورود به آن هرچند با شاخه‌هایی از علوم جدید آشنا می‌شود اما به دلیل ناآشنایی با علوم دینی و با توجه به اینکه مبنای علوم جدید علوم غیردینی بود، از دیانت خود فاصله می‌گیرد. لذا در مدارس اسلامی علاوه بر تدریس دروس موظف آموزش و پرورش، به تعلیم دروس مذهبی و دینی نیز پرداخته می‌شد.

بررسی نقش شبکه‌ای این دو مدرسه نشان می‌دهد این مدارس به اشکال مختلفی نقش شبکه روابط مد نظر پاتنام را ایفا می‌کردند. این نقش ارتباطی، هم فضای داخل و هم فضای خارج را شامل می‌شد. در داخل مدرسه ارتباط دانش‌آموزان در مدرسه بسیار تنگاتنگ و فشرده بود. این ارتباط، هم مربوط به ارتباط بین دانش‌آموزی و هم ارتباط میان معلم و دانش‌آموز بود. مذهبی‌ها از این فضای ارتباطی در جهت تقویت هنجارهای مورد نظر برای اهداف مبارزاتی خود، بیشترین استفاده را بردند.

برای مدرسی چون جامعه تعلیمات اسلامی که دارای شعبه‌های متعدد در سراسر کشور بود فرصت بسیار مناسبی بود تا دانش‌آموزان این مدارس، هم‌صدا و هم‌جهت هدف واحدی را دنبال کنند. در واقع مقرر شده بود اگرچه هر یک از مدارس مذکور دارای هیئت مدیره جداگانه‌ای بود اما باید همه عوامل، تحت امر و نظارت هیئت مدیره مرکزی در تهران باشند که شامل ۲۲ نفر بود (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره سند ۱۹۵) و این یعنی همان ارتباطی که مد نظر پاتنام بود و حتی در برخی موارد، ارتباط ایجاد شده برای برقراری همکاری از طریق شبکه رسمی مدارس، مستحکم‌تر و قابل دستیابی‌تر بود بود چراکه این ارتباط بعضاً سازماندهی‌تر از مساجد و هیئت‌های مذهبی برقرار می‌شد.

برای مدرسی همچون مدرسه دخترانه رفاه که به دلیل تازه تأسیس بودن، امکان ایجاد شعب مختلف به گستردگی جامعه تعلیمات برایش ممکن نشد، باز شاهد ارتباط قوی این مدارس با دیگر مدارس اسلامی همچون مدارس جامعه تعلیمات، «علوی»، «دین و دانش» و حتی دیگر مراکز مذهبی هستیم. به طور مثال شهیدان بهشتی، باهنر و رجایی که از مدرسان و مؤسسان مدرسه رفاه بودند در مدارس جامعه نیز تدریس می‌کردند و در مراکز مهم فرهنگی دیگر نظیر حسینیه ارشاد و مساجد مهم تهران نیز حضور داشتند (کرمی‌پور، ۱۳۸۰: ۸۷). این وضعیت موجب شده بود تا در صورت نیاز به یک اقدام جمعی همچون مقابله با سیاست برهنگی رژیم، این مدارس در مقام یک شبکه قوی ایفای نقش کنند. خانم دستغیب از اساتید مدرسه رفاه در مورد ارتباط این مدرسه با دیگر شبکه‌های فرهنگی - سیاسی این چنین می‌گوید:



«ما بچه‌ها [دانش‌آموزان مدرسه رفاه] را به مسجد هدایت خیلی ارتباط می‌دادیم. خودمان می‌رفتیم. برنامه‌های خوب و مفصلی در خدمت آقای طالقانی رحمت‌الله بود که ایشان با آن اخلاق خوش و برخورد خوب، جذابیتی در بین جوان‌ها داشتند. ما اندک فرصتی که داشتیم واقعا میل داشتیم و تمایل شدید بود که به مسجد هدایت برویم» (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، مصاحبه دستغیب، ۱۳۷۵).

در مدارس جامعه تعلیمات جدای از ارتباط درون مجموعه‌ای که در این مدرسه بین اعضا برقرار می‌شد دانش‌آموزان این مدارس نیز تأثیر بسزایی در همراه کردن اعضای خانواده با اندوخته‌های خود داشته و نقش بالایی در ایجاد همکاری جمعی بین اعضای خانواده‌شان در آفریدن حرکتی سیاسی و اجتماعی داشتند و این به دلیل اعتمادی بود که والدین این دانش‌آموزان نسبت به فرزندان و محل تحصیل فرزندان خود داشتند. همین وضعیت در مدرسه رفاه نیز برقرار بود. خانم دستغیب در این زمینه می‌گوید:

«در مورد آشنایی خودم با خانم دباغ باید بگویم که دخترهای ایشان در مدرسه رفاه بودند. ما جلساتی با هم داشتیم در آن مدرسه که مادرها را دعوت می‌کردیم و برایشان صحبت می‌کردیم یا قرآن می‌گذاشتیم، قرآن خواندن و تفسیر و... حالا یک وقتی هم جلسات مشترک بود که خود آقای بهشتی و باهنر و رجایی و هاشمی می‌آمدند و صحبت می‌کردند، خُب مادران هم دعوت می‌کردیم» (دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، مصاحبه با دستغیب، ۱۳۷۵).

به گفته بوستان (از معلمان مدرسه رفاه)، در واقع از همان ابتدا انگیزه والدین برای فرستادن فرزندان‌شان به مدرسه رفاه به دلیل رواج بی‌بندوباری در آن مقطع زمانی و لزوم تأسیس مدرسه‌ای دخترانه برای تربیت صحیح دختران متدین (روشن نهاد، ۱۳۸۴: ۱۰۰) و نیز ایجاد فضای آموزشی برای خانواده‌های متدینی بود که برای تحصیل دختران خود مشکل داشتند (معادپخواه، ۱۳۷۶: ۲۳۳).

در مورد اقداماتی که علیه رژیم صورت گرفت می‌توان به نقش شبکه‌ای معلمین و دانش‌آموزان اشاره کرد که ضمن حضور در راهپیمایی‌ها، در پخش و انتشار اطلاعیه‌های ضد حکومتی به‌ویژه نسبت به سیاست برهنگی حکومت نقش مهمی ایفا کردند. یکی از یاران عباسعلی اسلامی (موسس مدارس جامعه) درباره فعالیت شبکه‌ای جامعه تعلیمات می‌گوید:

«در جریان قیام خونین پانزده خرداد، اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌های زیادی علیه رژیم شاه در مدارس پخش شد و دانش‌آموزان مدارس جامعه نسخه‌های فراوانی از اطلاعیه‌های فوق را در سطح شهر تهران پخش کردند» (کرمی پور، ۱۳۸۰: ۸۷-۸۶).



مریم بهروزی از فارغ‌التحصیلان مدرسه جامعه در مورد نقش وی و همکلاسی‌هایش در پخش شبکه‌ای اعلامیه‌ها و نیز همراهی خانواده‌هایشان این چنین می‌گوید:

«اواخر سال ۵۶ بود ما اعلامیه‌ها و نوارها را می‌بردیم خانه‌های مردم می‌انداختیم. مادرم نیز با ما می‌آمد و می‌گفت بگذارید اینها را من می‌گذارم در جورابم و اعلامیه‌ها را هم در ساک بدهید دست من، اگر گرفتند من را بگیرند من پیرزنم با من کاری نمی‌کنند» (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با بهروزی، ۱۳۷۷).

۳-۵. ویژگی‌های شبکه‌های روابط مدارس اسلامی

در مباحث سرمایه گفته شد که وجود برخی شبکه‌ها با داشتن یکسری ویژگی‌ها موجب کارآمدی بیشتر آنها نسبت به سایر شبکه‌ها می‌شود. در مورد شبکه مدارس اسلامی نیز می‌توان به برخی ویژگی‌های این شبکه‌ها اشاره کرد که در افزایش کارآمدی آنها نقش مؤثری داشته است.

۱-۳-۵. ساخت شبکه مدارس اسلامی

پیشتر گفته شد که اگرچه شبکه‌های روابط در همه جوامع وجود دارند اما همه آنها مولد اعتماد و تقویت‌کننده هنجارهای همیاری نیستند و به عبارت دیگر مولد سرمایه اجتماعی نیستند (پاتنام، ۱۹۹۳: ۲۹۹). به عبارت دیگر می‌توان شبکه‌های افقی یا مساوات‌طلب را از شبکه‌های عمودی یا انحصارطلب متمایز ساخت. بدین گونه که شبکه‌های عمودی فاقد توان برقراری اعتماد و ایجاد و تقویت هنجارهای همیاری هستند، زیرا برخلاف شبکه‌های افقی که به دلیل قابل اعتماد بودن افراد، در درون آن جریان اطلاعات وجود دارد، در شبکه‌های عمودی، اطلاعات مانعی برای بهره‌کشی و استثمار به شمار می‌آید؛ همچنین برخلاف روابط افقی که هنجارهای همیاری را تقویت می‌کند به گونه‌ای که تخلف از هنجار، نوعی مجازات محتمل‌الاجرا را برای همه در پی دارد، در روابط عمودی مجازات‌های مربوط به تخلف از هنجارهای همیاری، برای مقامات عالی کمتر وضع و اجرا می‌شود.

همین قاعده در مورد شبکه رسمی مدارس اسلامی نیز صادق بود. مدارس اسلامی به لحاظ ویژگی ساخت شبکه‌ای از نوع همان شبکه‌های افقی بودند که مولد اعتماد و تقویت‌کننده هنجار همیاری (هنجار حجاب) به شمار می‌آیند. در این نوع شبکه‌ها حتی مقامات عالی‌رتبه شبکه، خود را ملزم به رعایت هنجارهای شبکه دانسته و عمل به خلاف آن را مشتمل مجازاتی می‌دانند که شامل یک عضو عادی شبکه نیز خواهد شد. کلیه دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در مدارس اسلامی نه بر اساس سطح‌بندی اجتماعی یا گرایش‌های سلسله‌مراتبی بلکه بر اساس



پایبندی به اصول مساوات‌نگر این مدارس در یک سطح افقی و برابر قرار داشتند. به طور مثال نمونه‌ای از نمادهای افقی بودن این رابطه، برگزاری نماز جماعت از سوی خود دانش‌آموزان و تعیین یک نفر به عنوان امام جماعت بود. در این زمینه آمده است:

«در آموزشگاه جامعه تعلیمات از بین دانش‌آموزان یک نفر که بیشتر به حسن خلق و عدالت و امانت ممتاز گردیده به عنوان امام جماعت انتخاب می‌شود. تا زمانی که خلافی از وی ظاهر نشود امام جماعت است در غیر این صورت از این موقعیت محروم می‌گردد» (مجله جامعه تعلیمات اسلامی، ۱۳۳۱، شماره ۳: ۲۹).

در این گونه مدارس رفتارهایی به صورت هنجار درآمده بود که آن را به سرمایه اجتماعی تبدیل کرده بود. برابری معلمان در بهره‌بری از امکانات مدرسه و حتی فداکاری و ایثارشان در مواقع مختلف، روحیه برادری و برابری را در شبکه تقویت می‌کرد. به طور مثال در مدرسه رفاه، رجایی در مورد چگونگی استفاده از امکانات مالی مدرسه دقت و وسواس عجیبی داشت و بیش از همه، این رفتار را در مورد خودش اجرا می‌کرد. یکی از معاونان مدرسه از وی خواست تا اجازه دهد دخترش هنگام ناهار، غذا را در مدرسه صرف کند اما رجایی در جواب گفت ما پول غذا را نداده‌ایم و نباید از غذای مدرسه استفاده کنیم (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با بوستان، جلسه اول: ۴).

از این گونه رفتارها که مانع از بروز هرگونه رفتار برتری‌طلبی و امتیاز ویژه قائل شدن برای افراد می‌شد در این مدارس اسلامی که اساس آنها بر پایه برادری اسلامی بود رواج داشت و همین ویژگی، زمینه را فراهم کرده بود تا همه به همدیگر اعتماد داشته باشند؛ بنابراین افقی بودن شبکه‌های روابط مدارس اسلامی بیشترین کمک را به تقویت هنجارهای همیاری نظیر هنجار حجاب می‌رساند.

۵-۳-۲. فشردگی شبکه مدارس اسلامی

منظور از فشردگی یا تراکم شبکه‌ای افزایش تعداد انجمن‌ها، گروه‌ها و کانون‌ها و امکان عضویت‌های متداخل و مشارکت در عرصه‌های چندگانه زندگانی است (پاتنام، ۱۹۹۵: ۳۱۳). پاتنام معتقد است هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای فشرده‌تر و متراکم‌تر باشد احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند (پاتنام، ۱۹۹۳: ۲۹۸). از طرف دیگر فشردگی شبکه بدین معناست که یک نفر چنانچه عضو چند شبکه باشد زمینه همکاری‌اش با اعضای شبکه بیشتر خواهد بود چراکه فشردگی شبکه انجمنی و گسترش





عضویت در شبکه‌هایی با روابط افقی اصلی‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی است که به نوبه خود فرصت گسترش اعتماد و تقویت هنجارهای همیاری را در جامعه فراهم می‌سازد.

بررسی‌ها در مورد شبکه مدارس اسلامی نشان می‌دهند این مدارس که با هدف مقابله با نظام آموزش جدید و با انگیزه نشر و تقویت معارف اسلامی (نظیر حجاب) ایجاد شده بودند در سراسر کشور مشغول فعالیت بودند. برخی از این مدارس همچون جامعه تعلیمات اسلامی که دارای شعبه‌های متعدد و مقاطع مختلف تحصیلی بودند، مدارس زنجیره‌ای نام گرفتند. در آن زمان، جامعه تعلیمات دارای ۱۸۲ مدرسه پسرانه و دخترانه در سراسر کشور بود (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اساسنامه و مرام نامه جامعه تعلیمات اسلامی شماره بازیابی ۱۹۵).

اگرچه مدرسه رفاه تنها به چند مقطع، آن هم در تهران خلاصه می‌شد اما حجم دانش‌آموزان این مدرسه، قابل توجه و میزان روابط معلمان مدرسه با دیگر مدارس و دیگر شبکه‌های مرتبط با مذهبی‌ها بسیار قوی و مستحکم بود. به طور مثال در سال ۱۳۵۳ شمسی که مقطع دبیرستان و راهنمایی رفاه به دلیل مشکلات سیاسی تعطیل شد تنها مقطع دبستان آن دارای ۱۶ کلاس با تعداد ۵۶۵ نفر بود (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اساسنامه و مرام نامه جامعه تعلیمات اسلامی شماره بازیابی ۱۹۵). ضمن اینکه تقریباً غالب معلمان مدرسه، درگیر اجرای سخنرانی در مراکزی همچون مسجد هدایت، مسجد جلیلی، حسینیه ارشاد، و نیز برپایی کلاس‌های مختلف نظیر کلاس قرآن و یا فعالیت در گروه‌هایی نظیر سازمان مجاهدین خلق بودند؛ از طرف دیگر نه تنها به لحاظ گستردگی و آمار کمی، مدارس اسلامی به عنوان یک شبکه قوی فرهنگی - سیاسی فراگیر محسوب می‌شد بلکه به لحاظ کیفی و رابطه‌اش با دیگر شبکه‌ها همواره ارتباطی سازنده با سایر شبکه‌ها داشت. بسیاری از محصلان و معلمان این مدارس در مدارس دیگر، مساجد فعال فرهنگی و سیاسی و نیز در هیئت‌های مذهبی نقشی فعال و دائمی داشتند. خانم وجیهه ملکی از شاگردان مدرسه رفاه می‌گوید:

«در مدرسه رفاه بودم، به جلسات حسینیه ارشاد می‌رفتم و کلاً در سخنرانی‌های دکتر شریعتی شرکت می‌کردم و پای منبر افراد روشنفکر می‌نشستم مثل آقای مجتهد شبستری» (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با ملکی، ۱۳۷۸).

عده‌ای از مدرسان و دانش‌آموزان مدارس اسلامی رسماً با برخی گروه‌ها و احزاب سیاسی مذهبی همکاری داشتند و به عبارتی عضویت متداخل در چند شبکه داشتند. مروری بر وضعیت و سابقه سیاسی هیئت امنای مدرسه رفاه بیانگر این است که اعضای هیئت مؤسس

این مدرسه همگی عضو جمعیت مؤتلفه اسلامی بوده و کسانی چون *خواهران بوستان* (رابعه و منیژه) که از معلمان مدرسه بودند با سازمان مجاهدین همکاری نزدیک داشتند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با بوستان، جلسه اول: ۴).

همین گستردگی شبکه‌ها از یک طرف و از طرف دیگر، عضویت متداخل اعضا در شبکه‌های مختلف، شرایط برقراری پیوند مستحکم‌تر را فراهم می‌کرد و زمینه همکاری اعضا را برای یک عمل جمعی مشترک همچون شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات برای مبارزه با سیاست‌های دولت نظیر ترویج فرهنگ برهنگی تسهیل می‌بخشید.

۶. نقش مدارس اسلامی در تقویت هنجار حجاب (هنجار همیاری)

۱-۶. مفهوم هنجار در سرمایه اجتماعی

کلمه هنجار^۱ در لغت لاتین به معنای گونیاست و قانون یا قاعده‌ای تلقی می‌شود که باید به آن رجوع کرد. گیدنز هنجار را قواعد رفتاری می‌داند که رفتار مناسب در محدوده معینی از زمینه‌های اجتماعی را مشخص می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۶: ۲۸۲).

در واقع هنجارها، همان برداشت‌ها، قواعد و رسوم غیررسمی مشترک است که رفتارهای معینی را در اوضاع مختلف تجویز، ممنوع و یا تعدیل می‌کند. هنجارها غالباً نانوشته‌اند اگرچه از راه اعتقادات سنتی و مذهبی و ضرب‌المثل‌ها، اشعار کودکان، گفتارهای عوامانه، موسیقی و قصه‌ها می‌توانند بیان یا تقویت شوند. پیروی از هنجارها ممکن است از طریق مجازات‌های روانی درونی مانند احساس گناه یا مجازات‌های بیرونی مانند خجالت و طرد، تقویت شود (گزارش تحقیقی کمیسیون بهره‌وری استرالیا، ۲۰۰۳، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۷).

در بحث از سرمایه اجتماعی، هنجارها و ارزش‌های عمومی، دارای اهمیت ویژه‌ای است. بانک جهانی در تعریف خود سرمایه اجتماعی را مانند چسبی می‌داند که کل جامعه را در کنار هم نگه می‌دارد؛ به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی از نگاه هنجارهای همیاری، همان ارزش‌ها و رسوم مشترک برای هدایت اجتماعی است که در روابط خصوصی افراد ظاهر می‌شود (بانک جهانی، ۱۹۹۸: ۵). از نگاه عموم نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی، بحث هنجار به عنوان جزء یا مؤلفه‌ای از سرمایه اجتماعی آمده است.

در نظریه رابرت پاتنام نیز که تئوری پژوهش مبتنی بر نظریه وی شده است هنجار نقش





مهمی در بحث سرمایه اجتماعی دارد که وی آن را هنجار همیاری می‌نامد. همان‌طور که در تئوری سرمایه اجتماعی پاتنام آمده است در کنار وجود شبکه‌های قوی روابط که موجب برقراری روابط مستحکم میان افراد جامعه شده و به نوعی با عضویت رسمی و غیررسمی اعضا در این شبکه‌ها، تعهد متقابل برای اعضا ایجاد می‌شود؛ همچنین باید هنجارهای قوی همیاری نیز وجود داشته باشد که این حس همکاری و تعهد به فعالیت جمعی را در شبکه‌ها ایجاد کند. برای اینکه بتوانیم کارآمدی شبکه مدارس اسلامی را به عنوان شبکه‌ای که همچون شبکه‌های مد نظر پاتنام نقش مؤثری در تحکیم هنجارهای موجود در شبکه داشتند، نشان دهیم باید به بررسی هنجار حجاب به عنوان هنجار همیاری پردازیم زیرا با این کار عملاً نقش مدارس اسلامی را به منزله سرمایه اجتماعی در تقویت فرهنگ حجاب به تأیید رسانده‌ایم. در واقع باید علاوه بر وجود شبکه‌های مدارس که ذکر آن رفت، به دنبال نشان دادن هنجار حجاب باشیم که در این شبکه‌ها جاری بوده و نقش مهمی را در به راه انداختن یک حرکت جمعی ایفا کرده است.

۶-۲. هنجار همیاری مدارس اسلامی

بررسی‌ها نشان می‌دهد مهم‌ترین هنجارهای همیاری مدارس اسلامی که زمینه‌ساز حرکت جمعی آنها به شمار می‌آید برگرفته از همان باورها و اعتقادات دینی - برآمده از مذهب تشیع - بود که از قرن‌ها پیش برای مردم به هنجار تبدیل شده بود و حجاب یکی از این هنجارها به شمار می‌رفت؛ به عبارت دیگر اسلام شیعی و هنجارهای برآمده از آن چون حجاب، از عوامل اصلی موجد همبستگی اجتماعی و سیاسی در ایران بود که جنبش‌های مختلف سیاسی و اجتماعی را سبب شده بود. برای تأیید این مطلب می‌توان به نمودهای این هنجار اشاره کرد. در ایران اغلب نمادها، مراسم، آموزه‌ها، اسطوره‌ها و تعطیلات برای همیشه و کاملاً مذهبی بوده‌اند. برای نمونه برگزاری مراسم بزرگداشت شهادت ائمه اطهار علیهم‌السلام از بارزترین تعطیلات رسمی بوده یا آیین‌هایی چون روزه‌داری ماه رمضان، مراسم عید فطر و مراسم حج و عید قربان و تاسوعا و عاشورا عوامل پیونددهنده مردم به شمار می‌رفته است (سیوان، ۱۹۹۰: ۱۸۸-۱۷۸). یکی از ویژگی‌های مدارس اسلامی، استفاده از پوشش اسلامی بود که برای عموم مردم به عنوان یک هنجار محسوب می‌شد. به همین دلیل مردم ایران در مبارزه علیه رژیم پهلوی از آن مذهب و آن گروه شعائر مذهبی [نظیر حجاب] بهره جستند که بیان و قالب مانوس برای آنان داشت (قادری، ۱۳۷۸: ۶). در واقع، حجاب نیز همچون موارد بیان‌شده هنجاری پیونددهنده بوده است.

۶-۳. نقش مدارس اسلامی جامعه تعلیمات و رفاه در تقویت هنجار حجاب

مدارس اسلامی همچون مدارس جامعه تعلیمات و دخترانه رفاه از جمله شبکه‌هایی به شمار می‌آمدند که هنجار حجاب را برای نسل جوان نهادینه کردند، زیرا رعایت حجاب در این مدارس به عنوان تکلیف و ترویج آن از سوی دانش‌آموزانی که در واقع داوطلبانه این تکلیف را بر خود پذیرفته بودند، به عنوان یک هنجار تقویت می‌شد.

در واقع مدرسه و نهادهای آموزشی یکی از عوامل جامعه‌پذیری است. تالکوت پارسونز که به این مسئله توجه کرده معتقد است کارکرد اول مدرسه جامعه‌پذیر کردن نسل جدید با ارزش‌های مسلط جامعه است (روشه، ۱۳۷۷: ۲۱۰).

لذا می‌توان گفت مدارس اسلامی نیز با همین هدف ایجاد شدند تا از طریق نظام آموزش و پرورش هنجارهای مورد نظر خویش همچون هنجار حجاب را به دانش‌آموزان منتقل کنند. به نظر می‌رسد مدارس اسلامی از دو طریق مواد درسی، و انجام آیین‌ها و مناسک نمادین دینی این هدف عمده را دنبال می‌کردند.

۶-۳-۱. مواد درسی جامعه تعلیمات و رفاه

مواد درسی از مهم‌ترین ابزار در خلق و تقویت ارزش‌ها و هنجارهاست. نه تنها مدارس اسلامی از تدوین کتب و جزوات درسی دلخواه خود اهدافی نظیر مقابله با ترویج افکار ضد دینی مدارس غیراسلامی را دنبال می‌کردند بلکه در قالب این مواد درسی عملاً در پی اغراض سیاسی مورد نظر خود (برپایی حکومت اسلامی پایبند به امر حجاب) بودند زیرا به گفته رونالد چیلکوت، سیاسیون استفاده خوبی از مدارس می‌کنند چراکه با تدوین محتوای درسی مورد نظر خویش، فرهنگ سیاسی خویش را به دانش‌آموزان انتقال می‌دهند (چیلکوت، ۱۳۷۷: ۳۵۹).

مطالعه مواد درسی دو مدرسه جامعه تعلیمات و رفاه به خوبی این مسئله را نشان می‌دهد. کتاب‌هایی که برای تدریس در این مدارس انتخاب می‌شد عموماً در جهت تقویت بینش دانش‌آموزان نسبت به آموزه‌های فرهنگی و سیاسی مکتب تشیع بود که پایبندی به هنجار حجاب یکی از آموزه‌های مهم آن به شمار می‌رفت.

در جامعه تعلیمات اسلامی علاوه بر تدریس برنامه رسمی وزارت فرهنگ، به تعلیمات عملی دینی، به صورت علمی و عملی نیز پرداخته شده و به‌ویژه اخلاق و رفتار دانش‌آموزان مورد مراقبت و نظارت دقیق اولیای امور قرار داشت (دانشور، مجله تعلیمات اسلامی: ۲۳).

برخی از شخصیت‌های مهم علمی و دانشگاهی و حتی حوزوی، از مؤلفان و همکاران





جامعه تعلیمات به شمار می‌آمدند. استاد علامه طباطبایی کتاب تعلیمات دینی سال پنجم و ششم ابتدایی را تدوین کرده بود. این کتاب به شیوه ساده اما عمیق، اصول دین و نیز فروع دین و همچنین تاریخچه مختصری از برخی رویدادهای تاریخ صدر اسلام را بیان می‌کرد. توصیه به امر حجاب و جایگاه آن در اسلام از جمله متن‌های این کتاب‌ها بود. کتاب تربیت و تعلیم دینی به قلم آقایان محمدجواد باهنر و علی غفوری از دیگر کتاب‌هایی بود که در مدارس جامعه تعلیمات تدریس می‌شد. در پیشگفتار این کتاب آمده بود:

«جامعه تعلیمات اسلامی در تعقیب هدف تربیت دینی و فرهنگی نوباوگان این مملکت بر اساس ارزش‌های اسلامی، برای اصلاح کتاب‌های دینی مدارس با توجه به احتیاجات نسل جدید و رعایت نکات تربیتی و اصول آموزش و پرورش جدید تصمیم گرفت یک دوره کتاب‌های تعلیمات دینی برای دوره ابتدایی تهیه کند» (غفوری و باهنر، ۱۳۴۵: ۲).

از دیگر اقدامات محتوایی مدرسه جامعه تعلیمات اسلامی که در تحکیم هنجارهای همیاری تأثیرگذار بود انتشار مجله تعلیمات اسلامی بود. این مجله در عین حال که از طریق نشر افکار اسلامی و با رویکرد تقویت تفکر شیعی موجب تحکیم باورهای دانش‌آموزان می‌شد، به منظور برقراری ارتباط با مردم، در سراسر کشور نیز توزیع می‌شد. مطالب و مباحثی نظیر اصول عقاید و فروع دین، اخلاق اسلامی، تعلیم و تربیت، و تاریخ انبیا از موضوعات این نشریه بود. موضوعاتی از این نشریه نیز اختصاص به بحث حجاب داشت.

۶-۳-۲. برپایی آیین‌ها و مناسک دینی در جامعه تعلیمات و رفاه

از دیگر ابزارهای مهمی که در قالب مدرسه می‌توان از آن در جهت تقویت ارزش‌ها و هنجارهای دانش‌آموزان استفاده کرد، انجام آیین‌ها و مناسک نمادین دینی و مذهبی است. مدارس از طریق برگزاری آیین‌ها و مراسم خاص و تشویق و حتی ایجاد الزام برای دانش‌آموزان برای شرکت در این مراسم همراه با پایبندی به برخی هنجارها مانند رعایت حجاب، در عمل به شکل غیرمستقیم بینش و نگاه دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برپایی مراسم احترام به پرچم، خواندن سرود ملی و سرودهای میهنی، یادآوری قهرمانان ملی و مذهبی، برگزاری مراسم مذهبی و حتی نصب تصاویر شخصیت‌های محبوب مذهبی و سیاسی بر در و دیوار مدرسه از نمونه‌های این نمادهاست (کمالی، ۱۳۷۴: ۱۰۰).

در جامعه تعلیمات به لحاظ عملی نیز روی دانش‌آموزان کار جدی صورت می‌گرفت. مواردی همچون اجرا نشدن مراسم رسمی از قبیل خواندن سرود شاهنشاهی، بالا بردن پرچم

و دعا به جان شاه و همچنین پایبند نبودن مدارس جامعه به برخی قوانین آموزش و پرورش نظیر بی حجاب بودن دختران در سر کلاس‌ها، از جمله آنها بود. در این گزارش آمده بود بیشتر معلم‌های این مدرسه، طلبه و طرفدار [آیت‌الله] خمینی، [آیت‌الله] میلانی و نواب صفوی هستند و بازرس مرد، حق ورود به مدارس را ندارد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند ۱۶۸). در واقع برپایی شعائری چون حجاب اسلامی از ویژگی‌های این مدارس بود. در سال ۱۳۵۲ که بخشنامه‌ای به دبیرستان‌های دخترانه مبنی بر رفع حجاب ابلاغ شد، جامعه تعلیمات حاضر به انجام آن نشد. در گزارشی از ملاقات مدیران و مسئولان وابسته به جامعه تعلیمات با وزیر آموزش و پرورش، آمده است:

«روز ۴۷/۱۱/۲۰ شصت و پنج نفر از مدیران و مسئولان مدارس جامعه تعلیمات با خانم پارسا ملاقات کردند. در این جلسه وزیر آموزش و پرورش اظهار داشت: اگر امکان داشته باشد دوشیزگانی که برای تحصیل به مدارس شما می‌آیند با روپوش و روسری در مدرسه حاضر شوند. برای آنکه چادر ممکن است به هنگام عبور از خیابان زیر پای آنها قرار بگیرد و ناراحتی برای آنها ایجاد کند. نماینده جامعه تعلیمات در جواب گفت: در حدود ۳۵ هزار نفر در مدارس جامعه تعلیمات تحصیل می‌کنند که اکثر آنها دخترند و پدران و مادران آنها اگر قرار باشد فرزندان‌شان بدون چادر به مدرسه بروند مانع تحصیل آنان خواهند شد» (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شماره ۱۰۱۲: ۸۰-۷۹).

در مدرسه رفاه نیز نسبت به حفظ شعائر اسلامی حساسیت ویژه‌ای وجود داشت. به گونه‌ای که دانش‌آموزان بیشترین بهره را از هنجار حجاب برای مقابله با دیگر نمادهای رژیم صورت می‌دادند. بهجت افراز (از فارق التحصیلان رفاه) در این زمینه می‌گوید:

«یک روز چند نفر از بازرسین به دبیرستان رفاه برای بازدید آمدند. از مدیر مدرسه که همراه آنها بود پرسید چرا عکس اعلیحضرت در کلاس نیست. در این میان یکی از شاگردها بلند شد و خطاب به بازرس گفت: آقا اجازه؟ بازرس گفت: بله. دانش‌آموز گفت: برای اینکه اعلیحضرت نامحرم هستند ما نمی‌خواهیم صبح‌ها چشمانمان به نامحرم بیافتد و بدین ترتیب جواب شرعی و دندان‌شکنی به بازرس دادند» (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با افراز، ج اول: ۸).

در این مدرسه نیز درست در زمانی که در مدارس دیگر توصیه به برداشتن پوشش می‌شد یکی از شرایط پذیرش دختران، داشتن پوشش اسلامی بود (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با افراز، ج اول: ۸). برای نمونه هنگامی که آموزش و پرورش قصد بازدید از مدرسه



را داشت بالطبع تذکر داده می‌شد که نباید دختران پوشش چادر داشته باشند؛ لذا پیش از ورود بازرسان به مدرسه چادرها گرفته می‌شد و دانش‌آموزان با حفظ حدود شرعی یعنی پوشش مانتو و مقنعه در مدرسه حضور می‌یافتند.

۷. دو ویژگی بارز هنجارهای همیاری مدارس اسلامی

هنجارهای همیاری حاکم بر مدارس اسلامی همچون هنجار حجاب دارای دو ویژگی بودند که بر تقویت هرچه بیشتر آن در مدارس و ترویج هرچه بهتر آن در جامعه کمک می‌کرد. نخست اینکه در این مدارس، از باورها و اعتقاداتی به عنوان هنجارهای همیاری استفاده می‌شد که برای مخاطبان (پیروان اسلام‌گراها) امری طبیعی و قابل قبول بود، زیرا به طور مثال مردم سالیان سال با باورها و اعتقاداتی چون حجاب زیسته بودند؛ به گونه‌ای که این باور برای آنها تبدیل به هنجار شده بود. دوم اینکه این هنجارهای همیاری همچون هنجار حجاب، برآمده از باورها و اعتقادات دینی اصیل و قوی‌ای بود که به راحتی امکان زدودنش از جامعه ممکن نبود.

۷-۱. هنجار حجاب در مدارس جامعه و رفاه؛ باور و هنجار مردم

هنجارهایی که در مدارس اسلامی جامعه تعلیمات و رفاه تقویت می‌شد برآمده از همان آموزه‌های مکتب تشیع بود که در انقلاب اسلامی از آنها در جهت مبارزه با رژیم حاکم استفاده شد و حجاب یکی از مهم‌ترین آنها به شمار می‌رفت. به عقیده حمید عنایت (از تحلیل‌گران انقلاب اسلامی) «باورها و هنجارهایی چون غیبت یا انتظار فرج و یا وقایعی همچون واقعه تاریخی کربلا که برای جامعه ایران (دوران پهلوی) به شکل هنجار درآمد بود از عوامل اصلی به چالش کشیدن رژیم سلطنتی به شمار می‌رفت» (عنایت، ۱۳۷۷: ۴۸).

می‌توان گفت حجاب یکی از این هنجارها بود. مذهبی‌ها به‌ویژه رهبران آنها با تکیه بر همین اصل تشیع و مفاهیمی همچون غیبت، انتظار فرج، عدالت، امامت، شهادت و آموزه‌هایی چون تلاش برای برپا کردن حجاب توانستند مخالفت‌های مردمی را علیه رژیم برانگیزند. لذا مراجعه به اسناد تاریخی و روایاتی که در مورد تاریخ انقلاب به‌ویژه مربوط به سال‌های ۵۷-۱۳۴۲ ش صورت گرفته، حکایت از آن دارد که اغلب و مهم‌ترین مخالفت‌های مردمی که در قالب راهپیمایی و تظاهرات‌ها شکل می‌گرفت از شبکه‌هایی چون مسجد، هیئت‌های مذهبی و مدارس اسلامی آغاز و با تکیه بر هنجارهایی از جمله حجاب که ذکر آن آمد ادامه می‌یافت. در واقع علت این همیاری و همکاری مردم با رهبران مذهبی، پایبندی هر دو گروه به



باورها و اعتقادهای مشترکی بود که در قالب هنجار همیاری، کارکرد همکاری درون‌گروهی داشت؛ لذا هنجارهایی چون حجاب که در مدارس به عنوان تکلیفی مذهبی بر آن تأکید و در قالب دروس دینی و تربیتی ارائه می‌شد، نه تنها ایجاد شده و وجود داشت بلکه به دلیل اشتراک میان مردم و اعضای این مدارس در باور داشتن این ارزش و هنجار، تقویت آن نیز آسان بود؛ در واقع این باور حجاب که ناشی از فرهنگ تشیع بوده جزء هنجارهای الزام‌آور برای عموم مردم ایران شده بود.

۲-۷. هنجار حجاب در مدارس جامعه و رفاه؛ هنجار همیاری قوی (الزام‌آور)

علاوه بر اینکه در مدارس اسلامی از هنجارهایی در قالب هنجار همیاری استفاده می‌شد که هنجارها و باورهای جاری در جامعه بودند، قابل توجه است که این هنجارها پتانسیل بسیار بالایی در ایجاد همیاری و برقراری همکاری داشتند و نیروی قوی‌ای برای به راه انداختن اعتراض‌های گسترده محسوب می‌شدند. مطالعه تقاضاهای انقلابیون نشان داده درخواست برای رعایت حجاب به عنوان نمونه‌ای از هنجارهای گفته‌شده، یکی از مهم‌ترین درخواست‌های انقلابی مردم در دوران پهلوی بود. خانم دلال عباس (از تحلیل‌گران انقلاب اسلامی) معتقد است حجاب یکی از عمده‌ترین درخواست‌های انقلابی‌ها بود. وی در همین زمینه می‌گوید: «پوشش اسلامی زنان شرکت‌کننده در تظاهرات میلیونی، اسلامی بودن انقلاب و نفی فرهنگ ناسیونالیستی شاه و فرهنگ وارداتی غربی را که هر دو در پی محور اسلام از اندیشه و حیات ایرانی‌ها بودند، نشان می‌داد. از این رو چادر بعدها نماد و پوشش رسمی همه زنان ایرانی شد» (دلال عباس، ۱۳۸۴: ۵-۳).

از سوی دیگر، واکنش آیت‌الله بروجردی نسبت به سیاست کشف حجاب و اطاعت‌پذیری حکومت از وی، حکایت از اهمیت امر حجاب در جامعه دارد. به همین دلیل زمانی که به مناسبت فرا رسیدن ۱۷ دی، سالگرد کشف حجاب، قرار بود برنامه جشن با حضور دختران بی‌حجاب برگزار شود، آیت‌الله بروجردی از این خبر عصبانی می‌شود و در دیداری که با فرماندار و رئیس شهربانی دارد مخالفت شدید خود و مردم مسلمان را با این امر اعلام می‌کند که این چه وضعی است که برای دختران مردم به وجود آوردند؟ و در نهایت شب ۱۷ دی روزنامه‌ها می‌نویسند که به واسطه سردی هوا، رژه دختران در خیابان در روز ۱۷ دی لغو شده است (دوانی، ۱۳۸۲: ۱۹۸-۱۹۶).

در واقع این هنجار خود ناشی از فرهنگ سیاسی‌ای بود که از پدیده‌ای به نام تشیع



برآمده بود و تشیع نیز خود نوعی اسلامی‌گری قلمداد می‌شد که از پتانسیل بالایی برای ایجاد جنبش‌های انقلابی برخوردار بود و ایرانی‌ها آن را منشأ و مرجع اسلام ناب می‌دانستند و از همان سال‌های نخستین ورود اسلام به ایران بدان پایبند بودند.

بنابراین از آنجاکه در مدارس اسلامی نیز همان هنجارهایی حاکم بود که بر فضای عمومی جامعه حکمفرما بود لذا در مدارس اسلامی نظیر مدارس جامعه و رفاه نیز دانش‌آموزان پایبندی محکم و عمیقی نسبت به هنجارهای گفته‌شده داشتند؛ زیرا به همان میزان که این هنجارها در جامعه به عنوان یک تکلیف اسلامی الزام‌آور بود در مدارس اسلامی نیز پایبندی به آنها به منزله یک تکلیف اسلامی تلقی می‌شد. حتی به دلیل وجود نظم و قانونی که در این مدارس حاکم بود عدول از این هنجارها سرزنش بیشتری را نسبت به عدول آن در جامعه به همراه داشت.

نتیجه‌گیری

همواره مسئله حجاب از آموزه‌های مهم فرهنگ اسلامی جامعه ایران به شمار می‌رفته است. مطالعات نشان می‌دهد مردم مسلمان ایران در هیچ مقطع زمانی حاضر نشده‌اند هرچند با وجود فشارهای حکومتی از این مهم چشم‌پوشند و به هر طریقی در برابر سیاست‌های فرهنگی حکومت ایستادگی کرده‌اند. در دوران پهلوی که به دلیل وابستگی شدید ایران در حوزه‌های مختلف از جمله فرهنگی، سیاست کشف حجاب در دستورکار رژیم قرار گرفت اقدامات متعددی با هدف مقابله با این سیاست صورت گرفت که یکی از آنها تأسیس مراکز آموزشی بود که همواره بر حفظ و تقویت فرهنگ حجاب تأکید می‌کردند. شبکه‌های مدارس اسلامی یکی از این مراکز مهم به شمار می‌آمدند که در واقع نقش همان شبکه‌های تئوری پاتنام را ایفا می‌کردند. این مدارس به دلیل حاکم بودن هنجارهای همیاری از جمله هنجار حجاب در آنها، به‌خوبی توانایی آن را داشتند تا اقدام جمعی مبتنی بر همکاری را در راستای حفظ آن هنجارها صورت دهند، زیرا اعضای این مدارس به دلیل اعتمادی که به یکدیگر و جریان مذهبی از طریق پایبندی‌شان به هنجارهای مشترکی همچون هنجار حجاب پیدا کرده بودند، به‌راحتی حاضر به راه انداختن یک مقابله جمعی علیه سیاست فرهنگی دولت می‌شدند.

این نکته را می‌توان از تحقیق حاضر برداشت کرد که یکی از راه‌های حفظ و تقویت آموزه‌های اسلامی نظیر حجاب این است که جوامع اسلامی نظیر جامعه ایران همواره خود را از وجود شبکه‌هایی نظیر شبکه مساجد، هیئت‌های مذهبی و مدارس اسلامی که به نوعی



مسیر حرکت آنها بر مبنای حفظ و تقویت هنجارهایی همچون هنجار حجاب است، بی بهره نسازند، چراکه همواره گذشته حاکم بر ایران نشان می دهد چنین شبکه‌هایی نقش بسیار کلیدی در حفظ و تقویت آموزه‌هایی چون حجاب داشته‌اند و این بدان معناست که در جامعه امروز نیز یکی از مراکز مهمی که می تواند در این جهت نقش مهمی ایفا کند، همین شبکه‌های مذکور به ویژه مدارس اسلامی هستند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- الگار، حامد (۱۳۷۵) *نیروهای مذهبی در ایران قرن بیستم*، مترجم: عباس مخبر، تهران: طرح نو (۱۳۸۲).
- نقد عمر: زندگانی و خاطرات علی دوانی*، تهران: انتشارات رهنمون.
- پارسا، طیبه (۱۳۷۲) *پوشش زن در گستره تاریخ*، چاپ اول، انتشارات حسن الحدیث.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۷۸) *اسنادی از مدارس دختران از مشروطیت تا پهلوی*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۷) *مرد دین، علم و سیاست*، مجموعه مقالات، تهران: انتشارات قلم.
- چیگلوت، رونالد (۱۳۷۷) *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای*، مترجم: وحید بزرگی و علیرضا طیب، چاپ اول، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- دانشور، مهدی (۱۳۳۱) «با من به مدارس جامعه تعلیمات اسلامی بیایید»، *نشریه تعلیمات اسلامی*، شماره ۲ و شماره ۳.
- دلالت، عباس (۱۳۸۴) زن در جامعه معاصر ایرانی، مترجم: حمیدرضا شریعتمداری، *مجله پیام زن*، شماره ۱۵۷.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) *لغت نامه*، ج ۶، چاپ اول، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه.
- رحیم‌زاده، علی اصغر صفوی (۱۳۳۵) *شوخی علما و شمه‌ای از سرگذشت بانوان هنرمند*، تهران: نشر علمی.
- روشن‌نهاد، ناهید (۱۳۸۴) *مدارس اسلامی در دوره پهلوی دوم*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روشنی زعفرانلو، قدرت الله (۱۳۵۴) *امیرکبیر و دارالفنون*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- روشه، گی (۱۳۷۷) *تغییرات اجتماعی*، مترجم: منصور وثوقی، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.
- رینگر، مونیکا ام (۱۳۸۱) *آموزش دینی، گفت‌وگو با اصلاح فرهنگی در دوران قاجار*، مترجم: مهدی حقیقت‌خواه، تهران: انتشارات ققنوس.
- زیبایی نژاد محمدرضا و محمدتقی سبحانی (۱۳۷۹) *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*، قم: دارالتقلین.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۴) *تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون*، تهران: انتشارات آگاه.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۷۸) *حجاب؛ مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی*، ج ۲، مقلیه ابراهیم مراد، علی توانا، *زن در تاریخ معاصر ایران*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی پژوهشگاه فقه و حقوق.
- صدیق، عیسی (۱۳۴۹) *تاریخ فرهنگ ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- عمید، حسن (۱۳۷۳) *فرهنگ فارسی عمید*، ج ۱، چاپ نهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴) *اعتماد اجتماعی در ایران*، چاپ اول، تهران: نشر طرح‌های ملی.
- غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۷۲)، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، مترجم: نورالله کسایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قادری، حاتم (۱۳۷۸)، «قرائت‌ها و چالش‌های فکری - سیاسی دوران گذار»، *صبح امروز*، ۲۶ اردیبهشت.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷) *مدارس جدید در دوره قاجار (بانیان و پیشروان)*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کمالی، علی اکبر (۱۳۷۴) *بررسی مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی*، چاپ اول: تهران: معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی
- کرمی‌پور، حمید (۱۳۸۰) *جامعه تعلیمات اسلامی (آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی اسلامی و نقش ایشان*





انقلاب اسلامی)، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

کرمی پور، حمید (۱۳۸۰). *جامعه تعلیمات اسلامی مصاحبه با دادگستر نیا، عضو هیئت مدیره مرکزی جامعه تعلیمات اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

کلهر، مهدی (۱۳۶۹) «مدارس جامعه تعلیمات اسلامی»، *مجله یاد*، شماره ۱۸، سال پنجم، بهار. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶) *جامعه شناسی*، مترجم: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی. معادیخواه، حسن (۱۳۷۶) *هاشمی رفسنجانی (دوران مبارزه)*، ج ۱، زیر نظر مهندس محسن هاشمی، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، *مسئله حجاب*، مجموعه آثار، ج ۱۹، تهران: انتشارات صدرا. نفیسی، سعید (۱۳۴۵)، *تاریخ معاصر ایران از کودتای اسفندماه ۱۲۹۹ تا بیست و چهارم شهریور ماه ۱۳۲۰ (تاریخ شهریاری شاهنشاه و رضا شاه پهلوی)*، بی جا: نشر فروغی.

عنایت، حمید (بهمن و اسفند ۱۳۷۷) «انقلاب اسلامی؛ مذهب در قالب ایدئولوژی سیاسی»، ترجمه و تلخیص امیر سعید الهی، تهران: *فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*.

دفتر ادبیات انقلاب اسلامی (۱۳۷۵) *مصاحبه با گوهرالشریعه دستغیب*.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، (۱۳۷۷) *مصاحبه با مریم بهروزی*، ۲۲ مهر و ۵ اردیبهشت.

روشن نهاد، ناهید (۱۳۸۴) *مصاحبه با رابعه بوستان*، تهران: آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، (۱۳۷۸) *مصاحبه با وجیه ملکی*، ۲۳ بهمن.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۷۷) *مصاحبه با بهجت افراز*.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده جامعه تعلیمات اسلامی، *اساسنامه و مرامنامه جامعه تعلیمات اسلامی*،

شماره بازایی ۱۹۵.

مجله جامعه تعلیمات (ناشر افکار جامعه تعلیمات)، (۱۳۳۱) تهران: انتشارات جامعه تعلیمات اسلامی.

Claus, O. & Fuche, S., (2002) "A Decline of Social Capital the German Case", published in Putnam, Robert D, *democracy in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*, New Yourk: Oxford University Press.

Fukuyama F. (1997) *The End of Order*, London: Social Market Foundation.

Putnam, R. (1995) Bowling Alone, "America's Declinig Social Capital", *Journal of Democracy*, Vol. 6, No. 1.

Putnam, R. D. (1993) Making Democracy Work: *Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton: Princeton University Press.

Putnam, R. D (Ed) (2004) *Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*, Oxford University Press.

Sivan, E. (1990) Radical Islam, "Medieval Theology and Modern Politics", New Haven and London: Yale University Press Chapter Seven: in: *Shadow of Khomeini*, pp. 181-2-7

World Bank (1998) The Initiative on Defining Monitoring and Measuring Social Capital: Over View and Program Description, *Social Capital Initiative Working Paper*, No 1, The World Bank, Washington: April